



# امام هادی علیه السلام

## و نکته‌هایی از آیات وحی

کریم تبریزی

۳. ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾؛<sup>۳</sup> «پاینده است خدایی که قرآن را بر بنده‌اش فرستاد تا برای جهانیان هشدار دهنده باشد.»  
و یکی از دلایل خاتمیت رسول اکرم ﷺ مسئله جاودانی بودن قرآن است. امام هادی علیه السلام به این نکته مهم در ضمن بیانی عالی اشاره کرده است:  
يعقوب بن سكين نحوي - از مدافعان سرسخت اهل بیت علیه السلام که جان‌ش را نیز در این راه گذاشت -

قرآن برنامه زندگی برای تمام انسانهای عالم از صدر اسلام تا قیامت است. احکام و معارف و حیانی آن آحاد بشر را در تمام اعصار و مکانها به سوی زندگی برتر و سعادت بخش رهنمون می‌شود. آیات متعددی بر جهانی بودن احکام قرآن دلالت می‌کند که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾؛<sup>۱</sup> «ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم.»

۲. ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ﴾؛<sup>۲</sup> «ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم.»

۱. اعراف / ۱۵۸.  
۲. سبأ / ۲۸.  
۳. فرقان / ۱.

را پیش رو گذاریم و از روی آن قوانین سعادت حقیقی بشر را تنظیم و تدوین کنیم.»<sup>۲</sup>

نظر به اهمیت فراوان توجه به قرآن در زندگی و سیره اهل بیت علیهم السلام در این فرصت، به بیان برخی از اندیشه‌های امام هادی علیه السلام در عرصه فضیلت، تفسیر و استدلال به آیات قرآن می‌پردازیم.

### بیان شأن نزول آیات

حضرت هادی علیه السلام در راستای تبلیغ معارف قرآن و آموزه‌های رسول اکرم صلی الله علیه و آله به تفسیر و شأن نزول آیات اشاره می‌کرد و در فرصتهای مناسب به روشنگری اهل ایمان می‌پرداخت. خداوند متعال در آیه ۱۰۸ سوره بقره از بهانه‌های بی‌جا و خواسته‌های کفرآمیز برخی از مسلمانان ضعیف‌الایمان و عده‌ای از مشرکان سخن گفته، با هشدار به اینکه درخواستهای نابه‌جا ممکن است زمینه ساز کفر باشد،

می‌گوید: از پیشوای دهم پرسیدم: چرا قرآن بانشر و آموزش و گذر زمان باز هم هر روز بر تازگی‌اش می‌افزاید: امام علیه السلام فرمود: «لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلْهُ لِرَمَانٍ دُونَ رَمَانٍ وَلَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ رَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ عَظٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»<sup>۱</sup> چون خداوند تبارک و تعالی آن را برای زمان مشخصی نفرستاده که برای دیگر زمانها حکمی نداشته باشد و برای مردم خاصی نفرستاده که دیگر مردم از معارف آن محروم باشند. بنابراین، قرآن در هر زمان و نزد هر ملتی تا روز قیامت تازگی دارد.»

طبق این سخن، آیات وحی همواره مورد نیاز بشر بوده و در آینده نیز خواهد بود. قرآن در هر عصری و برای هر ملتی سخن تازه و اندیشه‌ای پویا مطرح می‌کند و هیچ قومی از آن بی‌نیاز نیست. این سخن ناپلئون بناپارت شنیدنی است که می‌گوید: «کجاست آن روزی که ما مجمع و هیأتی بزرگ از سیاستمداران و دانشمندان حقوق جهان تشکیل داده، قرآن کلام الهی و متین‌ترین قوانین محمدی، همان نسخه پرافتخار بشری

۱. اعلام‌الدین، حسن بن ابی‌الحسن دیلمی،

قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق، ص ۲۱۱.

۲. چهل داستان از عظمت قرآن، مصطفی

محمدی، قم، نشر زائر، ص ۶.

می‌فرماید: «أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْئَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ»؛ «آیا می‌خواهید از پیامبر خود همان را بخواهید که قبلاً از موسی خواسته شد؟ و هر کس کفر را با ایمان عوض کند، مسلماً از راه درست گمراه شده است.»

امام هادی علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید: «آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله معجزه‌ای را می‌خواستند که به صلاحشان نبود، همانند رؤیت خداوند به صورت آشکارا. پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان اعلام کرد که این خواسته به مصلحت نیست؛ اگر باز هم اصرار کنند و بعد از دیدن آن همه معجزه و برهان ایمان نیاورند و لجاجت کنند، از راه مستقیم که به بهشت می‌رود، منحرف و گمراه خواهند شد.»

سپس حضرت به شأن نزول آیه پرداخته، می‌فرماید: «ده نفر یهودی تصمیم گرفته بودند که با سؤالات و خواسته‌های نابه‌جا، رسول خدا صلی الله علیه و آله را بیازارند و به این منظور، به حضورش رسیدند و معجزات غیر معقول از آن

حضرت خواستند. در همان حال، عربی بادیه نشین با کوله‌باری سنگین به حضور حضرتش وارد شد و گفت: ای محمد! خواسته مرا پاسخ ده! من برای حقانیت نبوت تو حجتی آشکار می‌خواهم و به کمتر از آن قانع نیستم.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را صدا زد و به اعرابی فرمود: تو بیان و حجتی آشکار خواستی و این دارای بیان رسا و علم کامل است. اساساً من شهر حکمت و این مرد در آن است. و با صدای بلند در میان حاضرین فرمود: ای بندگان خدا! هر که می‌خواهد به شکوه آدم و حکمت شیث و شرافت و هیبت ادریس، و بندگی و شکرگزاری نوح، دوستی و وفای ابراهیم، تجسم مبارزه با دشمنان خدا در وجود موسی، نیک‌رفتاری و محبت به اهل ایمان در سیره عیسی بنگرد، به این علی بن ابی طالب علیه السلام نظاره کند.

اعرابی گفت: ای محمد! من از او چیزی نمی‌پذیرم، مگر اینکه این سوسمار شهادت دهد. آن‌گاه او به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله آن حیوان عظیم الجثه را با زحمت فراوان از کوله بارش

آوردند و به عرب گفتند: ای برادر عرب! برکت سوسمارت بر ما چه بزرگ و با عظمت بود.<sup>۱</sup>

### برکات قرائت قرآن

ابی عمرو خدّاء از یاران امام جواد علیه السلام می گوید: بی کاری، بلا تکلیفی و فقر و بدهکاری چنان فشاری در زندگی برآیم آورده بود که دیگر تحمل آن را نداشتیم. به ناچار به حضور حضرت جواد علیه السلام نامه ای نوشته، از اوضاع پریشان زندگی ام شکایت کردم. امام علیه السلام در پاسخ صبر و بردباری و قرائت سوره نوح را توصیه کرد. یک سال به قرائت این سوره مداومت داشتیم؛ اما تغییری در وضع زندگی ام ایجاد نشد. دوباره نامه نوشتم و از امام جواد علیه السلام یاری طلبیدم. امام در پاسخ فرمود: حالا به قرائت سوره قدر بپرداز!

چند روزی نگذشته بود که ابن ابی داود به سراغم فرستاد. قرضهایم را

بیرون آورد و در مجلس رها کرد. سوسمار رو به پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد و گونه های خود را به خاک مالید و به اذن خداوند و با صدای رسا گفت: شهادت می دهم که هیچ معبود حقی جز خدا نیست. او که یگانه و بی شریک است. شهادت می دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده و برگزیده اوست. او سرور رسولان، برترین آدمیان، خاتم پیامبران و رهبر سفید رویان است. شهادت می دهم که این برادرت علی بن ابی طالب علیه السلام با همان اوصاف و فضائل است که خود فرمودی. دوستانش در بهشت محترم و دشمنانش در دوزخ خوار و ذلیل اند.

عرب بادیه نشین با دیدن این صحنه متقلب شد و در حالی که دانه های اشک به گونه هایش می لغزید، گفت: ای رسول خدا! من نیز به شهادتهای سوسمار شهادت می دهم و آن گاه به یهودیان حاضر گفت: وای بر شما! بعد از این نشانه آشکار دنبال چه می گردید! شما راهی ندارید جز اینکه یا ایمان بیاورید و یا همگی نابود شوید. همه یهودیان حاضر ایمان

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ ق، ص ۴۹۶؛ تفسیر البرهان، سید هاشم بحرانی، طهران، مؤسسه البعثة، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۳۰۲.

امام پاسخ داد: «هرگز تلاوت قرآن را کم یا زیاد رها مکن و قرائت سوره قدر در یک شبانه روز ۱۰۰ مرتبه کافی است.<sup>۱</sup>»

### برکات سوره‌هل اتی

این سوره یکی از مهم‌ترین دلایل برتری اهل بیت علیهم السلام بر دیگران می‌باشد؛ چرا که مفسران شیعه و بسیاری از مفسران برجسته اهل سنت می‌گویند: بخشی از آیات این سوره درباره علی، فاطمه زهراء و حسنین علیهم السلام نازل شده است. این موضوع آن‌چنان مسلم و تردیدناپذیر است که محمد بن ادریس شافعی پیشوای شافعی مذهببان در شعر معروف خود می‌گوید:

إِلَىٰ مِآلِ مِ إِلَىٰ مِ وَحَسْبِي مَنِي  
أُعَاتِبُ فِي حُبِّ هَذَا الْفَتَىٰ  
وَهَلْ زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ غَيْرُهُ؟  
وَفِي غَيْرِهِ هَلْ آتَىٰ، هَلْ آتَىٰ؟<sup>۲</sup>

ادا و مخارج خود و خانواده‌ام را تأمین کرد. او مرا به بصره فرستاد و به عنوان نماینده خود در منطقه باب کلاء انتخاب کرد و پانصد درهم حقوق برایم تعیین کرد.

من که با توسل به قرآن و با راهنمایی امام نهم علیه السلام به تمام آرزوهایم رسیده و به زندگی راحت و مرفهی دست یافته بودم، روزی به توسط علی بن مهزیار از بصره به حضور امام هادی علیه السلام نامه‌ای نوشتم و عرضه داشتم: فدایت شوم! من زمانی از پدر بزرگوارت سؤالاتی کردم و رهنمود خواستم و در مورد سختی و فشار زندگی به آن گرامی شکایت کردم و در اثر رهنمودهای زندگی‌ساز آن حضرت به آنچه که می‌خواستم، دست یافتم. ای آقای من! دوست دارم شما هم مرا راهنمایی کنید؛ آیا فقط به مداومت سوره قدر در نمازهای واجب و غیر آن بپردازم یا در کنار سوره قدر سوره‌های دیگر را نیز تلاوت کنم؟ یا این عمل آدابی دارد که باید آن را رعایت کنم؟ چه دستوری می‌فرماید؟

۱. الکافی، ج ۵، ص ۳۱۹؛ جامع احادیث الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۲۵؛ موسوعة المصطفی و العترة، ج ۱۳، ص ۲۴۳.  
۲. شرح احقاق الحق، آیه الله نجفی مرعشی، قم، نشر کتابخانه مرعشی، ج ۳، ص ۱۵۸.

### نکته‌ای در آیه مباهله

مباهله یکی از شیوه‌های مناظره و مقابله با طرف مخالف است؛ به این ترتیب که افرادی که با یکدیگر درباره یک موضوع مهم مذهبی گفتگو دارند، در یک جا جمع می‌شوند و به درگاه خدا تضرع می‌کنند و از او می‌خواهند که دروغگو را رسوا ساخته، مجازات کند. قرآن به داستان مباهله رسول خدا ﷺ با مسیحیان نجران اشاره کرده، می‌فرماید: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»<sup>۱</sup> «بگو بیایید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و ما از نفوس خود و شما هم از نفوس خود را فرا خوانیم. سپس مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم».

امام هادی علیه السلام در معنای این آیه به نکته ظریفی اشاره دارد که فهم آن برای اهل تحقیق قابل توجه است. عیاشی

«تاکلی و تاچه زمانی در دوستی این جوان سرزنش خواهم شد؟ آیا فاطمه زهراء به غیر این جوان شوهر دیگری داده شد؟ آیا سوره هل اتی به غیر از او در مورد کس دیگری هم نازل شد؟»

این سوره که به اتفاق اکثر مفسرین در مدینه نازل شد، علاوه بر دارا بودن نکات جالب تربیتی و اخلاقی، برکات معنوی فراوانی را در خود جای داده است. علی بن عمر عطار می‌گوید: در روز سه شنبه به محضر امام هادی علیه السلام رفتم. حضرت فرمود: تو را دیروز ندیدم! گفتم: من سفر در روز دوشنبه را دوست ندارم. امام علیه السلام فرمود: ای علی! هر کس می‌خواهد خداوند او را از حوادث بد و شر در روز دوشنبه حفظ کند، در رکعت اول نماز صبح در روزهای دوشنبه سوره «هل اتی» را بخواند. سپس امام علیه السلام این آیه را قرائت کرد «فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَ سُورًا»<sup>۱</sup>؛ خداوند آنان را از شر آن روز نگه می‌دارد و آنها را با شادابی و شادمانی می‌پذیرد.<sup>۲</sup>

۱. انسان / ۱۱۷.

۲. تفسیر نور الثقلین، عبد علی هویزی عروسی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ج ۵، ص ۴۶۷.

۳. آل عمران / ۶۱.

سمرقندی می‌نویسد: امام هادی علیه السلام در تفسیر این آیه به یک سؤال قرآنی پاسخ می‌دهد. سؤال این است که اگر خداوند متعال پیامبرش را که دروغگو نمی‌دانست و آن حضرت صادق‌ترین انسان روی زمین بوده است، پس چرا لعنت را بر دروغگویان قرار داده و دروغ را به دو طرف نسبت می‌دهد؟ امام علیه السلام در پاسخ این سؤال فرمود: «اگر می‌فرمود: بیایید با همدیگر مباحله کنیم و لعنت خدا را بر شما قرار دهیم، آنان هرگز به مباحله نمی‌آمدند و گرنه خدا می‌داند که پیامبرش پیامهای او را به مردم می‌رساند و هرگز دروغگو نیست.»<sup>۱</sup>

#### پاسخ به پرسشهای فقهی

از وظائف امامان معصوم علیهم السلام و همچنین جانشینان آن بزرگواران، رفع مشکلات فقهی و بیان احکام شرعی بر اساس قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است. امام هادی علیه السلام نیز در این زمینه تلاشهای فراوانی انجام می‌داد که مواردی را در اینجا بیان می‌کنیم:

الف. ابو عبد الله زیادی می‌گوید: وقتی که متوکل عباسی مسموم شد،

نذر کرد که اگر خداوند متعال او را شفا بخشد، اموال زیادی در راه خدا صدقه دهد. اتفاقاً او سلامتی خود را به دست آورد و از آن گرفتاری سخت نجات یافت. هنگام ادای نذر از فقهای معاصر سؤال کرد که چه مقدار صدقه دهد تا نذرش ادا شده باشد؟ آنان در مقدار نذر و مصداق «مال کثیر» اختلاف کرده، هر کدام سخنی را مطرح کردند.

یکی از مشاورانش به او گفت: ای امیر! اگر من پاسخ صحیح این مشکل را برای شما بیاورم، مرا در نزد شما چه پاداشی خواهد بود؟ متوکل گفت: اگر جواب صحیح را بیاوری، ده هزار درهم پاداش می‌گیری و گرنه صد تازیانه بر تو خواهیم زد. او گفت:

می‌پذیرم. آن‌گاه به پیشگاه امام دهم علیه السلام آمده و مشکل را مطرح کرده، پاسخ خواست. امام فرمود: «هشتاد درهم صدقه دهد!» وقتی که جواب را به متوکل داد، متوکل دلیل و مبنای حکم را خواست. امام هادی علیه السلام در بیان مبنای حکم فرمود: «خداوند در قرآن

۱. تفسیر عباشی، محمد بن مسعود عباشی، طهران، نشر چاپخانه علمیه، ج ۱، ص ۱۷۶.

ناگزیر پاسخ امام هادی علیه السلام را جویا شد. حضرت فرمود: «به آن مرد مسیحی زناکار آن قدر باید شلاق بزنید تا بمیرد.»

یحیی بن اکثم و سایر فقها زبان به اعتراض گشودند و مبنای شرعی این فتوا را زیر سؤال بردند و گفتند: ای امیر! چنین حکمی در کتاب خدا و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله وجود ندارد. از او مدرک این حکم را بخواه!

هنگامی که متوکل از امام علی النقی علیه السلام مدرک خواست، حضرت با اشاره به آیاتی از سوره غافر چنین نوشت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» «فَلَمَّا رَأَوْا بِأَسْنَانًا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدَّهٖ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ فَلَمَّ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيْمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بِأَسْنَانًا سُنَّتَ اللَّهُ الَّتِي قَدْ خَلَّتْ فِي عِبَادِهِ وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ»<sup>۱</sup> «پس چون عذاب ما را دیدند [از روی اضطراب و نگرانی] گفتند: ما به خدای یگانه ایمان آوردیم و به آنچه که قبلاً شریک خدای

به پیامبرش می فرماید: «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ»<sup>۱</sup> «خداوند شما را در جاهای بسیاری یاری کرد [و بر دشمن پیروز شدید].» و شمار مواطنی که خداوند پیامبرش را یاری کرده، به هشتاد مورد می رسد. متوکل از این پاسخ قرآنی خوشحال شد و مشاورش را تشویق کرد.<sup>۲</sup>

ب. در عصر متوکل عباسی، مردی مسیحی با زنی مسلمان عمل شنیع زنا را مرتکب شد. آن گاه اسلام آورد و شهادتین بر زبان جاری ساخت. مأموران حکومتی او را دستگیر کرده، نزد متوکل آوردند. علمای حاضر در مجلس در مورد این موضوع نظرهایی ابراز داشتند. یحیی بن اکثم از مهم ترین عالمان عصر گفت: مسلمان شدن او زشتی کفر و عمل ناپسندش را از میان می برد. در نتیجه، حد شرعی بر او جاری نمی شود. عده ای از فقها نیز گفتند: باید به او سه بار حد شرعی جاری کرد. برخی دیگر نظرات متفاوتی دادند.

خلیفه با مشاهده این اختلافات در تصمیم گیری دچار حیرت شد؛

۱. توبه / ۲۵.

۲. المناقب، ابن شهر آشوب مازندرانی، انتشارات علامه، ج ۴، ص ۴۰۲.

۳. غافر / ۸۴-۸۵.



یگانه قرار داده بودیم، کافر گشتیم؛ اما هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند، ایمانشان برای آنها سودی نداشت. این سنت خداوند است که همواره در میان بندگانش اجرا شده و کفار در آنجایان کارگردیدند.»

متوکل پاسخ امام هادی علیه السلام را پسندید و دستور داد به آن مرد مسیحی فاسق، آن قدر شلاق بزنید تا بمیرد.<sup>۱</sup>

#### بهبانه‌های مشرکان مکه

حضرت امام علی النقی علیه السلام مناظره و احتجاج رسول خدا صلی الله علیه و آله را با مخالفین خود به وسیله آیات قرآن نقل می‌کرد و استدلال‌های قرآنی پیامبر صلی الله علیه و آله را توضیح می‌داد. امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: به پدرم امام هادی علیه السلام عرضه داشتم: آیا حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله با مشرکان مناظره و گفتگو می‌کرد؟ فرمود: بلی، در موارد متعددی آن حضرت با مشرکان مکه مناظره رو در رو داشت و برخی آیات قرآن نیز آن را نقل می‌کند.

امام هادی در مورد گفتگوها و بهبانه‌های واهی مشرکان فرمود: «روزی عبد الله بن ابی امیه مخزومی از

سران لجوج قریش به آن حضرت گفت: ای محمد! ما به تو ایمان نخواهیم آورد، مگر اینکه از همین بیابان سنگلاخ و کوهستانی مکه چشمه‌ای برای ما پدید آوری: «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا»<sup>۲</sup> آنان بهانه‌های دیگری نیز گرفتند و گفتند: «مَا لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْنَا مَلَكًا فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا أَوْ يُنْفِئُ إِلَيْنَا كَنْزًا أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا»<sup>۳</sup> چرا این پیامبر غذا می‌خورد و در بازارها [مثل دیگران] راه می‌رود؟ پس چرا فرشته‌ای به سوی او نازل نمی‌شود تا در کنار او مردم را [از عذاب خدا] بیم دهد؟ چرا برای او گنجی فرستاده نمی‌شود؟ یا اینکه دارای باغی نمی‌باشد تا از میوه‌جات آن بخورد!» رسول خدا صلی الله علیه و آله علاوه بر معجزات فراوان، پاسخ منطقی و قانع‌کننده نیز به آنان بیان می‌کرد؛ اما آنان نمی‌پذیرفتند.<sup>۴</sup>

۱. وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، قم، موسسه آل‌البيت علیهم السلام، ج ۲۸، ص ۱۴۱.

۲. اسراء / ۹۰.

۳. فرقان / ۷-۸.

۴. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی، ج ۱، ص ۲۹.